گزارش

فاطمه ذوالقدر، عضو هیات رییسه کمیسیون فرهنگی مجلس در گفت‌وگو با «اعتماد»:

نیاز موسیقی امروز، همگرایی قوای سه‌گانه است

گروه ادب و هنر | موسیقی ایران در ماه‌های آغازین سال ۱۳۹۷ هنوز با چالش‌ها و موانع زیادی روبرو است که از عدم برنامه‌ریزی صحیح مسوولان نشأت می‌گیرد. مدیران فرهنگی ایران از وزارت ارشاد گرفته تا نمایندگان کمیسیون فرهنگی مجلس و غیره نه تنها هیچ‌کدام دستی بر آتش موسیقی ندارند و از پستی و بلندی‌های آن آگاه نیستند، بلکه به نظر می‌رسد قول‌ها و وعده‌های خودشان را هم فراموش می‌کنند؛ همچنان خبری از سند استراتژیک موسیقی که سال ۱۳۹۳ تدوین آن کلید خورده بود، نیست. همچنان کنسرت‌های موسیقی در شهرستان‌ها لغو می‌شوند و هیچ مقام مسوولی نیست که به درستی پاسخ این برخوردهای سلیقه‌ای را بدهد. در گزارش پیش‌رو برخی از مسائل جاری این روزهای موسیقی را با فاطمه ذوالقدر، عضو هیات رییسه کمیسیون فرهنگی مجلس مطرح کرده‌ایم.

رقم بودجه تعیین شده در حوزه موسیقی برای سال پیش رو ۲۹ میلیارد تومان در نظر گرفته شده است که به نظر می‌رسد با توجه به تنوع حوزه‌های این هنر، رقمی اندک باشد. ذوالقدر درباره اینکه کمیسیون فرهنگی تا چه حد با تصویب این رقم موافق بوده است، می‌گوید: «موسیقی به عنوان یک ابزار فرهنگساز همواره در ایران دارای جایگاه خاصی بوده و همیشه مورد حمایت دولت‌ها قرار داشته است؛ اما در طول ادوار با توجه به کسری‌های بودجه که اقتصاد از آن رنج می‌برد انگونه که باید حمایت‌های لازم به نه به لحاظ مالی و نه به لحاظ معنوی از عرصه هنر موسیقی و هنرمندان آن صورت نگرفته بود که در دولت یازدهم و با اهتمام نماینده‌گان کمیسیون فرهنگی دوره دهم مجلس شورای اسلامی، تلاش شد که با وجود محدودیت منابع بودجه‌ای، رشدی قابل توجه در تخصیص بودجه به عرصه موسیقی صورت پذیرد که اگرچه کفایت امر برای رسیدن به مقصود در هنر موسیقی کشور را دارا نیست اما جای بسی خرسندی است که رشد مالی نسبت به سنوات قبل را تجربه کرده است و باید در نظر داشت که مشکلات عرصه موسیقی همانند بسیاری از عرصه‌های هنری دیگر تنها در کسری منابع مالی و بودجه‌ای نیست که صرف تامین منابع مالی مسائل آزمیش و بورباشته شود.»

اگرچه ذوالقدر از افزایش رقم بودجه خوشنود است اما بدیهی است که این رقم به تنها کفاف برنامه‌ریزی‌های فرهنگی در حوزه موسیقی را نمی‌دهد بلکه کمکی هم به تعمیر و ساخت زیرساخت‌های اجرایی موسیقی نمی‌کند. با وجود این مسائل یکی از عمده‌ترین مواردی که موسیقیدانان ایرانی با آن مواجه هستند موج لغو کنسرت‌ها است که اگرچه در برخی برهه‌ها فروکش می‌کند اما در حقیقت تبدیل به اهرمی مهم برای ناکارآمد جلوه دادن دولت در بخش فرهنگی و هنری شده است. نمونه نقد و تازه‌ترین لغو کنسرت محسن شریفیان و گروه «لیان» در شهر «کلمه» بوشهر بود که با قطع برق نمادی شد.

مجتبی محمدلو/ ایرنا

موسیقی

نیوشا مزید آبادی

در طول این سال‌ها دفتر موسیقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با وجود سرعت بخشیدن به فرآیند صدور مجوزها، هنوز نتوانسته آن طور که باید از اجرایی شدن مجوزهای صادرداش دفاع کند. همچنان بسیارند کنسرت‌هایی که لغو می‌شوند و آن طور که پیداست نمی‌توان دلخوش به پایان یافتن این اتفاقات بود. حدود ۳ سال پیش با روی کار آمدن دولت تدبیر و امید از تدوین سند استراتژیک موسیقی صحبت شد تا به گونه‌ای یک بار برای همیشه تکلیف موسیقی در کشور مشخص شود. اگرچه به نظر می‌رسد انتشار این سند می‌تواند گره بسیاری از مشکلات موسیقی را باز کند اما متاسفانه همچنان خبری از این سند موسیقی نیست. با علی ترابی، مدیرکل جدید دفتر موسیقی درباره این مسائل و برخی دیگر از موانع پیش روی این هنرمندان گفت‌وگو کرد و جویای برنامه‌های او در منصب تازه‌اش شدیم. ترابی از جمله مدیرانی است که بسیاری از اهالی موسیقی برای تصدی، یاست دفتر موسیقی، در قالب نامه‌ها و بیانیه‌هایی از او حمایت کردند.

■ **در سال‌های اخیر فضاهای موسیقایی (اعم از سالن‌های برگزاری کنسرت‌ها و برخی هنرمندان) وارد معادلات سیاسی خاص برای پیشبرد اهداف خود شده‌اند که این امر با مفهوم هنر و هنرمند مستقل منافات دارد. به عنوان مثال سالن‌های موسیقی براساس ارتباطات افراد و با تخفیف‌های ویژه در اختیار عده‌ای خاص قرار می‌گیرند. تا چه حد باید این موضوع اعتقاد دارید و فکر می‌کنید دفتر موسیقی می‌تواند کاری در این زمینه انجام دهد؟**

شخصا به این موضوع اعتقادی ندارم و برای روشن شدن موضوع ضروری است که مصداق بیان شود. تالار وحدت هیات امنایی دارد که برای هر تخفیفی که به هنرمندان اختصاص می‌دهد باید دلایلش را در آن هیات مطرح کند؛ از طرف دیگر سقف اختیارات مدیر تالار وحدت در زمینه تخفیف‌ها محدود و مشخص است. یک زمانی در مورد تالار وحدت این بحث مطرح بود که هر گروه یا هر هنرمندی که بتواند از پس پرداخت هزینه‌های آن برآید می‌تواند این سالن را در اختیار داشته باشد؛ بدون اینکه سیاست واحد یا نظارت کیفی‌ای بر گروه‌های موسیقی انجام شود. فکر نمی‌کنم معادلات سیاسی خاصی درباره اجرای گروه‌های موسیقی در سالن‌ها حاکم باشد. ضمن اینکه دفتر موسیقی نمی‌تواند به طور مستقیم مداخله کند؛ گروه‌هایی در حوزه سالن‌هایی اجرا داشته باشند و لازم شود. این طور سالن‌ها هستند که با توجه به سیاست‌های فرهنگی و اقتصادی‌شان برنامه‌های پیش روی خود را انتخاب می‌کنند و عملا در برآمدن اعتباری به دست می‌آورد. با ممکن است اعتبارشان خدشه‌دار شود. دفتر موسیقی عهده‌دار برنامه و صلاحیت گروه‌های موسیقی اظهارنظر می‌کند. البته استثناهایی هم وجود دارد مثلا در خصوص تالار وحدت. شخصا فکر می‌کنم دفتر موسیقی هم باید درباره نوع گروه‌هایی که برای اجرا معرفی می‌شوند، حساسیت داشته باشد. آن هم به این دلیل که ما گذشت کمی مثل تالار وحدت داریم و اگر فقط اجرا‌هایمان بر مبنای توان مالی گروه‌ها باشد بسیاری از فرصت‌های فرهنگی گروه‌های دیگر، به سبب توانایی مالی کمترشان ممکن است از دست برود اما به صورت کلی دفتر موسیقی اصولا اجازه دخالت و تعیین سیاست‌های سالن‌های موسیقی را ندارد. تنها امکان ما همکاری و هماهنگی با نیماید رودکی یا سالن‌های دیگر فرهنگی‌ای نیاوران است که به نوعی وابسته به وزارت‌ارشادهستند.

■ **پیش از تعطیلات نوروز مدیر عامل بنیاد رودکی** عرضه دولتی را بپیشتر می‌کند. البته بخشی از اختلافاتی که به آنها اشاره کردید به دفتر موسیقی ارتباطی ندارد و درون صنفی است.

■ **با توجه به جریان لغو کنسرت‌ها و فرآیند گاه طولانی اخذ مجوز به نظر می‌رسد که هنرمندان موسیقی از امنیت شغلی کافی برخوردار نیستند. دفتر موسیقی می‌خواهد چه روش و رویکرد مشخصی را در جریان لغو کنسرت‌ها پیش بگیرد که دیگر با اتفاقات ناخوشایند اینچنینی روبرو نباشیم؟ بهتر بگویم در سال‌های اخیر با وجود واکنش‌های مقطعی که دفتر موسیقی به لغو کنسرت‌ها داشته همچنان به نظر می‌رسد مجوزهای صادر شده از سوی وزارت ارشاد ضمانت اجرایی ندارد. برنامه شما برای واجهت بخشیدن به مجوزهای صادر شده از سوی این وزارتخانه چیست؟**

کنسرت‌هایی که قرار مانسان داده که راه خودش را پیدا کرده و در شرایط سخت مورد احترام اقشار مختلف جامعه که روند موجود مجوزها با محتوای ارائه شده از طریق موسیقی، اشکال وارد باشد. متاسفانه همه ما می‌دانیم که بخشی از اتفاقاتی که پیرامون برخی کنسرت‌های موسیقی رخ می‌دهند، خارج از حوزه موسیقی است و عملا تسویه حساب‌های دیگری را شامل می‌شود که کریبان موسیقی را می‌گیرند. من فقط امیدوارم کسانی که در تمام این سال‌ها در شرایط سخت، برخودهای جزمی خود را با موسیقی افزایش داده‌اند، به این فکر کنند که در تمام برنگاه‌های حساس کشور، موسیقی بیشترین نقش را در تهییج افکار عمومی و ایجاد همدلی مردم ایفا کرده است که در دوران دفاع مقدس و چه در دوران انتخابات و حماسه‌های ورزشی و غیره در هر اتفاقی که در این کشور رخ داده، موسیقی بر پیشانی رسانه‌هایی ملی ما بوده است اما متاسفانه به محض کنار آمدن از آن شرایط، باز هم بی‌مهری‌ها نسبت به آن اعمال می‌شود. من موسیقی به بی‌اعتمادی اهالی موسیقی دامن می‌زند و همدلی‌های مقطعی ایجاد می‌کند. من فکر می‌کنم تا زمانی که موسیقی محل ومبادی برای تسویه حساب‌های دیگر، غیر از حوزه فرهنگ باشد، دفتر موسیقی نمی‌تواند تضمینی بدهد که دیگر شاهد لغو کنسرت‌ها نباشیم. ما فقط می‌توانیم در حوزه صدور مجوزها دقت نظر داشته باشیم و تلاش کنیم به دست کسانی که دنبال بهانه عملا تسویه حساب‌های دیگری را شامل می‌شود که کریبان موسیقی را می‌گیرند، برخورد نشود. من امیدوارم با دیگر هم‌رازان سلامت بیشتری برخوردار است و متاسفانه با بی‌انصافی بیشتری هم با آن برخورد می‌شود.

■ **یعنی جریان لغو کنسرت‌ها برمبنای تسویه حساب‌های شخصی است؟**

مطلقا بحث من تسویه حساب شخصی نیست. این تسویه حساب‌ها در سطح کلان کشور اتفاقی می‌افتد و در این میان دودش به چشم موسیقی می‌رود. ممکن است یک جریان فکری یا جریان فکری دیگر اختلاف داشته باشد ولی چون دیواری کوتاه‌تر از موسیقی و زمینی مهیاتر از این هنر پیدا نمی‌شود، در این حوزه ورود می‌کنند. منظور من این است در مجموع مراقبت‌های زیادی در فضای فرهنگی ما اتفاق افتاده و باوجود این شرایط دستاوردهای کمی هم نداشته‌ایم. از همه مهمتر اینکه خود هنرمندان هم بیشتر از کسانی که مدعی هستند، درباره سلامت کارشان حساسیت دارند. تسویه حساب‌ها فراتر از موضوع شخصی است و شاید بیشتر بهانه‌ای برای به چالش کشیدن دیگرهاست.

■ **زیر ساخت‌های اجرای موسیقی در ایران با کاستی‌های فراوانی روبرو است. از کمبود سالن‌های اجرای موسیقی گرفته تا استفاده‌های نابجا و بازاری از همین یکی دو سالن یافته‌اند در حوزه تئاتر سالن‌های خصوصی بسیاری شکل گرفته‌اند این در حالی است که عملا در طول این سال حتی بخش خصوصی هم به ساخت سالن‌های اجرای موسیقی ابراز علاقه نشان نداده‌اند. دفتر موسیقی چه نظارتی بر اجراها و رویدادهای سالن‌های موسیقی خواهد داشت؟ یا با توجه به بودجه‌ای که برای عملیات عمرانی در نظر گرفته شده آیا دفتر موسیقی قصد دارد تلاشی برای عتمادسازی و ایجاد سالن‌های خصوصی اجرای موسیقی در کشور را داشته باشد؟**

بودجه‌های عمرانی وزارت ارشاد آن قدر اندک است که حتی کفاف نگهداری بهینه سالن‌ها و امکانات موجود را نمی‌دهد. مسوره هنرهای معاصر یک کشور با نبادهای استراتژیک هنر ما است. سال هاست که با مامکانات زیرساختی عدیده‌ای مواجه است و بودجه عمرانی این زیرساخت کفاف آن را نمی‌دهد که به صورت استاندارد مشکلات موزه را مرتفع کند. سالن تئاتر شهر یا تالار وحدت هم همین وضع را دارند. قطعاً برای سالن‌ها باید در قالب بودجه‌های عمرانی نمی‌توانیم برنامه‌ریزی کنیم. همان طور که اشاره کردید این بخش خصوصی است که اگر درباره سرمایه‌گذاری احساس امنیت داشته باشد و چشم‌انداز خوبی را پیش رو ببیند، می‌تواند در این حوزه سرمایه‌گذاری کند. به هر حال موسیقی یکی از بهترین حوزه‌هایی برای سرمایه‌گذاری است و سالانه نسبت به تئاتر و حتی سینما، گردش مالی بیشتری دارد. اما این موارد به این بستگی دارد که سیاست‌های فرهنگی ما برای سرمایه‌گذاران امنیت ایجاد کند تا آنها اعتمادشان برای صرف سرمایه‌های شان در این حوزه جلب شود. این اتفاق که در حوزه تئاتر داده بسیار مبارک است و اگر در زمینه موسیقی هم رخ دهد می‌تواند اثر گذار باشد. اما از آنجایی که موضوع ما سالن‌های اجرای موسیقی است طبیعتا ظرفیت گسترده‌تر و سرمایه‌های بیشتری را طلب می‌کند. اینکه ما بتوانیم در این حوزه ورود پیدا کنیم، منظور من این است در مجموع مراقبت‌های زیادی در فضای فرهنگی ما اتفاق افتاده و باوجود این شرایط دستاوردهای کمی هم نداشته‌ایم. از همه مهمتر اینکه خود هنرمندان هم بیشتر از کسانی که مدعی هستند، درباره سلامت کارشان حساسیت دارند. تسویه حساب‌ها فراتر از موضوع شخصی است و شاید بیشتر بهانه‌ای برای به چالش کشیدن دیگرهاست.

■ **زیر ساخت‌های اجرای موسیقی در ایران با کاستی‌های فراوانی روبرو است. از کمبود سالن‌های اجرای موسیقی گرفته تا استفاده‌های نابجا و بازاری از همین یکی دو سالن یافته‌اند در حوزه تئاتر سالن‌های خصوصی بسیاری شکل گرفته‌اند**

موسیقی در کشور ما نشان داده که راه خودش را پیدا کرده و در شرایط سخت مورد احترام اقشار مختلف جامعه قرار گرفته است. متاسفانه همه ما می‌دانیم که بخشی از اتفاقاتی که پیرامون برخی کنسرت‌های موسیقی رخ می‌دهند، خارج از حوزه موسیقی است و عملا تسویه حساب‌های دیگری را شامل می‌شود که کریبان موسیقی را می‌گیرد.

■ **نادیده گرفتن مطالبه جوانان برای برگزاری کنسرت موسیقی‌های پاپ در برخی شهرها، آنها را به کشورهای همسایه برای دیدن موسیقی‌های بسیار ضعیف‌تر از هنر، هنرمندان ایرانی سوق می‌دهد که به دست خویش زمینه‌ساز تهاجم فرهنگی برای جوانان را ورق زده‌ایم و در کنار آن در شرایط اقتصادی حاضر ناخواسته خروج ارز از کشور را تشویق می‌کنیم.**

او با اشاره به شعار اصل مقام معظم رهبری در حمایت از کالای ایرانی گفت: هایلد در نظر داشت که حمایت از کالای ایران صرفا حمایت از محصول کارخانه، کارگاه یا خودرو نیست، بلکه مقوله هنر، به‌ویژه موسیقی ایرانی به عنوان بخش اصلی از این کالاها و محصولات است که با حمایت از آن ضمن افزایش غنای فرهنگی و جذب مخاطبان ایرانی، از خروج ارز نیز جلوگیری شده و جوانان را هرچه بیشتر پایبند به هنر ایران اسلامی نگاه خواهد داشت؛ لذا وقت آن رسیده که به هنر موسیقی در انواع خود متناسب با شرایط و مقتضیات زمان و مکان نگاه کرد؛ اجازه داد تا در سراسر کشور جوانان و هم‌وطنان علاقه‌مند به پای اجراهای ایرانی بنشینند و از روی دیگر نیز این علاقه‌مندان نیز باید حمایت شوند و با تداوم نظر با مسوولان برگزاری کنسرت‌ها و دیگر اظهارنظرهایی که گاهی برخی از مراجع تقلید و امامان جمعه استان‌ها درباره موسیقی مطرح می‌کنند، از آن رنج می‌برد. انگونه که باید حمایت‌های لازم به نه به لحاظ مالی و نه به لحاظ معنوی از عرصه هنر موسیقی و هنرمندان آن صورت نگرفته بود که در دولت یازدهم و با اهتمام نمایندگان کمیسیون فرهنگی دوره دهم مجلس شورای اسلامی، تلاش شد که با وجود محدودیت منابع بودجه‌ای، رشدی قابل توجه در تخصیص بودجه به عرصه موسیقی صورت پذیرد که اگرچه کفایت امر برای رسیدن به مقصود در هنر موسیقی کشور را دارا نیست اما جای بسی خرسندی است که رشد مالی نسبت به سنوات قبل را تجربه کرده است و باید در نظر داشت که مشکلات عرصه موسیقی همانند بسیاری از عرصه‌های هنری دیگر تنها در کسری منابع مالی و بودجه‌ای نیست که صرف تامین منابع مالی مسائل آزمیش و بورباشته شود.»

اگرچه ذوالقدر از افزایش رقم بودجه خوشنود است اما بدیهی است که این رقم به تنها کفاف برنامه‌ریزی‌های فرهنگی در حوزه موسیقی را نمی‌دهد بلکه کمکی هم به تعمیر و ساخت زیرساخت‌های اجرایی موسیقی نمی‌کند. با وجود این مسائل یکی از عمده‌ترین مواردی که موسیقیدانان ایرانی با آن مواجه هستند موج لغو کنسرت‌ها است که اگرچه در برخی برهه‌ها فروکش می‌کند اما در حقیقت تبدیل به اهرمی مهم برای ناکارآمد جلوه دادن دولت در بخش فرهنگی و هنری شده است. نمونه نقد و تازه‌ترین لغو کنسرت محسن شریفیان و گروه «لیان» در شهر «کلمه» بوشهر بود که با قطع برق نمادی شد.

■ **نادیده گرفتن مطالبه جوانان برای برگزاری کنسرت موسیقی‌های پاپ در برخی شهرها، آنها را به کشورهای همسایه برای دیدن موسیقی‌های بسیار ضعیف‌تر از هنر، هنرمندان ایرانی سوق می‌دهد که به دست خویش زمینه‌ساز تهاجم فرهنگی برای جوانان را ورق زده‌ایم و در کنار آن در شرایط اقتصادی حاضر ناخواسته خروج ارز از کشور را تشویق می‌کنیم.**

او با اشاره به شعار اصل مقام معظم رهبری در حمایت از کالای ایرانی گفت: هایلد در نظر داشت که حمایت از کالای ایران صرفا حمایت از محصول کارخانه، کارگاه یا خودرو نیست، بلکه مقوله هنر، به‌ویژه موسیقی ایرانی به عنوان بخش اصلی از این کالاها و محصولات است که با حمایت از آن ضمن افزایش غنای فرهنگی و جذب مخاطبان ایرانی، از خروج ارز نیز جلوگیری شده و جوانان را هرچه بیشتر پایبند به هنر ایران اسلامی نگاه خواهد داشت؛ لذا وقت آن رسیده که به هنر موسیقی در انواع خود متناسب با شرایط و مقتضیات زمان و مکان نگاه کرد؛ اجازه داد تا در سراسر کشور جوانان و هم‌وطنان علاقه‌مند به پای اجراهای ایرانی بنشینند و از روی دیگر نیز این علاقه‌مندان نیز باید حمایت شوند و با تداوم نظر با مسوولان برگزاری کنسرت‌ها و دیگر اظهارنظرهایی که گاهی برخی از مراجع تقلید و امامان جمعه استان‌ها درباره موسیقی مطرح می‌کنند، از آن رنج می‌برد. انگونه که باید حمایت‌های لازم به نه به لحاظ مالی و نه به لحاظ معنوی از عرصه هنر موسیقی و هنرمندان آن صورت نگرفته بود که در دولت یازدهم و با اهتمام نمایندگان کمیسیون فرهنگی دوره دهم مجلس شورای اسلامی، تلاش شد که با وجود محدودیت منابع بودجه‌ای، رشدی قابل توجه در تخصیص بودجه به عرصه موسیقی صورت پذیرد که اگرچه کفایت امر برای رسیدن به مقصود در هنر موسیقی کشور را دارا نیست اما جای بسی خرسندی است که رشد مالی نسبت به سنوات قبل را تجربه کرده است و باید در نظر داشت که مشکلات عرصه موسیقی همانند بسیاری از عرصه‌های هنری دیگر تنها در کسری منابع مالی و بودجه‌ای نیست که صرف تامین منابع مالی مسائل آزمیش و بورباشته شود.»

اگرچه ذوالقدر از افزایش رقم بودجه خوشنود است اما بدیهی است که این رقم به تنها کفاف برنامه‌ریزی‌های فرهنگی در حوزه موسیقی را نمی‌دهد بلکه کمکی هم به تعمیر و ساخت زیرساخت‌های اجرایی موسیقی نمی‌کند. با وجود این مسائل یکی از عمده‌ترین مواردی که موسیقیدانان ایرانی با آن مواجه هستند موج لغو کنسرت‌ها است که اگرچه در برخی برهه‌ها فروکش می‌کند اما در حقیقت تبدیل به اهرمی مهم برای ناکارآمد جلوه دادن دولت در بخش فرهنگی و هنری شده است. نمونه نقد و تازه‌ترین لغو کنسرت محسن شریفیان و گروه «لیان» در شهر «کلمه» بوشهر بود که با قطع برق نمادی شد.

■ **نادیده گرفتن مطالبه جوانان برای برگزاری کنسرت موسیقی‌های پاپ در برخی شهرها، آنها را به کشورهای همسایه برای دیدن موسیقی‌های بسیار ضعیف‌تر از هنر، هنرمندان ایرانی سوق می‌دهد که به دست خویش زمینه‌ساز تهاجم فرهنگی برای جوانان را ورق زده‌ایم و در کنار آن در شرایط اقتصادی حاضر ناخواسته خروج ارز از کشور را تشویق می‌کنیم.**

او با اشاره به شعار اصل مقام معظم رهبری در حمایت از کالای ایرانی گفت: هایلد در نظر داشت که حمایت از کالای ایران صرفا حمایت از محصول کارخانه، کارگاه یا خودرو نیست، بلکه مقوله هنر، به‌ویژه موسیقی ایرانی به عنوان بخش اصلی از این کالاها و محصولات است که با حمایت از آن ضمن افزایش غنای فرهنگی و جذب مخاطبان ایرانی، از خروج ارز نیز جلوگیری شده و جوانان را هرچه بیشتر پایبند به هنر ایران اسلامی نگاه خواهد داشت؛ لذا وقت آن رسیده که به هنر موسیقی در انواع خود متناسب با شرایط و مقتضیات زمان و مکان نگاه کرد؛ اجازه داد تا در سراسر کشور جوانان و هم‌وطنان علاقه‌مند به پای اجراهای ایرانی بنشینند و از روی دیگر نیز این علاقه‌مندان نیز باید حمایت شوند و با تداوم نظر با مسوولان برگزاری کنسرت‌ها و دیگر اظهارنظرهایی که گاهی برخی از مراجع تقلید و امامان جمعه استان‌ها درباره موسیقی مطرح می‌کنند، از آن رنج می‌برد. انگونه که باید حمایت‌های لازم به نه به لحاظ مالی و نه به لحاظ معنوی از عرصه هنر موسیقی و هنرمندان آن صورت نگرفته بود که در دولت یازدهم و با اهتمام نمایندگان کمیسیون فرهنگی دوره دهم مجلس شورای اسلامی، تلاش شد که با وجود محدودیت منابع بودجه‌ای، رشدی قابل توجه در تخصیص بودجه به عرصه موسیقی صورت پذیرد که اگرچه کفایت امر برای رسیدن به مقصود در هنر موسیقی کشور را دارا نیست اما جای بسی خرسندی است که رشد مالی نسبت به سنوات قبل را تجربه کرده است و باید در نظر داشت که مشکلات عرصه موسیقی همانند بسیاری از عرصه‌های هنری دیگر تنها در کسری منابع مالی و بودجه‌ای نیست که صرف تامین منابع مالی مسائل آزمیش و بورباشته شود.»

اگرچه ذوالقدر از افزایش رقم بودجه خوشنود است اما بدیهی است که این رقم به تنها کفاف برنامه‌ریزی‌های فرهنگی در حوزه موسیقی را نمی‌دهد بلکه کمکی هم به تعمیر و ساخت زیرساخت‌های اجرایی موسیقی نمی‌کند. با وجود این مسائل یکی از عمده‌ترین مواردی که موسیقیدانان ایرانی با آن مواجه هستند موج لغو کنسرت‌ها است که اگرچه در برخی برهه‌ها فروکش می‌کند اما در حقیقت تبدیل به اهرمی مهم برای ناکارآمد جلوه دادن دولت در بخش فرهنگی و هنری شده است. نمونه نقد و تازه‌ترین لغو کنسرت محسن شریفیان و گروه «لیان» در شهر «کلمه» بوشهر بود که با قطع برق نمادی شد.

هنرانقلاب

بررسی معیار انتخاب «چهره سال هنر انقلاب اسلامی»

حمایت‌ها ارگانی است یا خیر؟

گروه ادب و هنر | چهره هنری سازمان تبلیغات اسلامی چند سالی است که روز بیستم فروردین، همزمان با سالروز شهادت سیدمرتضی آوینی را به نام هفته هنر انقلاب و طی آن از «چهره سال هنر انقلاب اسلامی» تجلیل می‌شود. در دوره‌های گذشته، مرتضی سرهنگی (نویسنده و پژوهشگر)، مجید مجیدی (کارگردان) و سیدمسعود شجاعی طباطبایی (کاریکاتوریست) به این عنوان دست یافتند. امسال نیز این مراسم به همت دبیرخانه هفته هنر انقلاب و دبیرخانه انتخاب چهره سال هنر انقلاب اسلامی برگزار شد و پنج چهره به مرحله نهایی راه پیدا کردند که در نهایت «حمید حسام» نویسنده شد. به این ترتیب بیشتر آثار انتخاب شده در سال ۹۶ خلق و تولید شده‌اند. اما حضور حمید حسام اما معیار انتخاب «چهره برگزیده سال هنر انقلاب» چیست؟ دو تن از مسوولان اجرایی انتخاب چهره سال (مسعود شجاعی طباطبایی، معاون هنری حوزه هنری و عبدالحمید قره‌داغی، مدیرعامل سوره مهر) در گفت‌وگو با «اعتماد» به لزوم وجود سه ویژگی در رسیدن به گزینه‌های مورد نظر اشاره کردند. نخست، تاثیرگذاری و استقبال مخاطبان از اثر هنری خلق شده دوم، اثر تولید شده باید در حوزه دین و هنر انقلاب باشد و سوم ویژگی‌های شخصیتی هنرمند.

ویژگی‌هایی که به نوعی در اظهارنظر رییس سازمان تبلیغات اسلامی نیز به چشم می‌خورد. حجت‌الاسلام خاموشی چندی پیش در تبیین اهمیت معرفی و ویژگی‌های چهره هنر انقلاب گفته بود: «این چهره باید خصوصیاتی داشته باشد و این خصوصیات می‌تواند راه‌گشوفایی هنر باشد. چهره هنر انقلاب باید با بصیرت، دارای بینش، آگاه نسبت به انقلاب باشد و او باشد در صف نخست برای دفاع از انقلاب بایستد. این هنرمند بسته به تخصص و رشته‌ای که در آن فعالیت می‌کند موظفیت و چالش‌های پیش رو را بشناسد و برای تقویت انقلاب اسلامی تلاش کند.»

به گفته مسوولان دبیرخانه انتخاب چهره سال امسال چند سالی است که روز بیستم فروردین، همزمان با سالروز شهادت سیدمرتضی آوینی را به نام هفته هنر انقلاب و طی آن از «چهره سال هنر انقلاب اسلامی» تجلیل می‌شود. در دوره‌های گذشته، مرتضی سرهنگی (نویسنده و پژوهشگر)، مجید مجیدی (کارگردان) و سیدمسعود شجاعی طباطبایی (کاریکاتوریست) به این عنوان دست یافتند. امسال نیز این مراسم به همت دبیرخانه هفته هنر انقلاب و دبیرخانه انتخاب چهره سال هنر انقلاب اسلامی برگزار شد و پنج چهره به مرحله نهایی راه پیدا کردند که در نهایت «حمید حسام» نویسنده شد. به این ترتیب بیشتر آثار انتخاب شده در سال ۹۶ خلق و تولید شده‌اند. اما حضور حمید حسام اما معیار انتخاب «چهره برگزیده سال هنر انقلاب» چیست؟ دو تن از مسوولان اجرایی انتخاب چهره سال (مسعود شجاعی طباطبایی، معاون هنری حوزه هنری و عبدالحمید قره‌داغی، مدیرعامل سوره مهر) در گفت‌وگو با «اعتماد» به لزوم وجود سه ویژگی در رسیدن به گزینه‌های مورد نظر اشاره کردند. نخست، تاثیرگذاری و استقبال مخاطبان از اثر هنری خلق شده دوم، اثر تولید شده باید در حوزه دین و هنر انقلاب باشد و سوم ویژگی‌های شخصیتی هنرمند.

ویژگی‌هایی که به نوعی در اظهارنظر رییس سازمان تبلیغات اسلامی نیز به چشم می‌خورد. حجت‌الاسلام خاموشی چندی پیش در تبیین اهمیت معرفی و ویژگی‌های چهره هنر انقلاب گفته بود: «این چهره باید خصوصیاتی داشته باشد و این خصوصیات می‌تواند راه‌گشوفایی هنر باشد. چهره هنر انقلاب باید با بصیرت، دارای بینش، آگاه نسبت به انقلاب باشد و او باشد در صف نخست برای دفاع از انقلاب بایستد. این هنرمند بسته به تخصص و رشته‌ای که در آن فعالیت می‌کند موظفیت و چالش‌های پیش رو را بشناسد و برای تقویت انقلاب اسلامی تلاش کند.»

به ترتیب «گلستان جغرابیان»، «محسن جلیلی»، «آهنگساز و موسیقیدان، حمید حسام نویسنده، «ابراهیم حسن‌بیگی» نویسنده، «محمدرضا دوستمحمدی» کرافیست، «حسن روح‌الامین» نقاش و گرافیست، «محمدمهدی سیرا» شاعر و ترانه‌سرا، «علی صدری‌نیا» مستندساز، «سیدحسین قدایی‌حسین» هنرمند تئاتر و پژوهشگر هنرهای نمایشی، «حسن قائدی» عکاس مستند، «محمدحسین مهدویان» کارگردان سینما به همراه مهدی «مهدی نقویان» مستندساز؛ ۱۲ نفری بودند که در گام نخست برای دریافت این عنوان معرفی شدند.

سوالی آنها دبیرخانه انتخاب چهره سال هنر انقلاب، حضور چهره‌ای مثل محمد حسین مهدویان در میان این فهرست نه به دلیل کارگردانی فیلم سینمایی «لاتاری» که به دلیل اکران فیلم سینمایی «ماجرای نیمروز» و استقبال مردمی از آن در سال ۹۶ بوده است. به این ترتیب بیشتر آثار انتخاب شده در سال ۹۶ خلق و تولید شده‌اند. اما حضور حمید حسام اما معیار انتخاب «چهره برگزیده سال هنر انقلاب» بیشتر از این منظر مورد توجه قرار گرفته است که سه کتاب این نویسنده «وقتی مهتاب گم شد»، «اب هرگز نمی‌میرد» و «خداحافظ سالار» بارها تجدید چاپ شده است.

عبدالحمید قره‌داغی مدیر انتشارات سوره مهر در پاسخ به این پرسش که فروش بالای این کتاب‌ها معمولا در نتیجه حمایت‌های ارگانی و سازمانی است به «اعتماد» گفت: «معمولا این نگرش وجود دارد اما مساله اینجا است که وقتی می‌گوییم فروش بالای کتاب «اما» به دلیل حمایت‌های ارگانی است باید ببینیم فروش بعدی کتاب چگونه است. می‌پذیرم که در ابتدای راه حمایت‌های ارگانی صورت می‌گیرد ولی بیشتری دارد. در حالی که ادبیات یادآوری تفکر و روش نمونه همین کتاب حالا بیش از ۱۶۰ تجدید چاپ داشته که نشان می‌دهد با گذشت چندسال همچنان از سوی مردم خریداری و خوانده می‌شود.»

او با اشاره به سه کتاب «حمید حسام» ادامه داد: «این کتاب‌ها طرف سال‌های گذشته بارها تجدید چاپ شده و فروش حدود ۲ میلیارد تومانی را تجربه کرده‌اند. اگر میانگین قیمت ۲۰هزار تومان برای هر کتاب را در نظر بگیریم متوجه خواهیم شد تعداد تجدید چاپ کتاب کم نبوده است.»

براساس اظهارات مسوولان دبیرخانه انتخاب چهره سال هنر انقلاب اسلامی، این افراد براساس تحقیق‌های میدانی و اثرگذاری آثارشان انتخاب می‌شوند. به گفته قره‌داغی، «برای چهره‌های دبیرخانه بعد از ۳ سال تجربه خالت دبیاب پیدا کرده است. به این شکل که تمام وقایع سال را رصد می‌کنیم ولی بطور جدی از بهمن ماه و اردیبهشت اجرایی می‌شویم». با همین هر یک از پنج گزینه نهایی ۵ سکه و به نفر برگزیده ۲۲ سکه بهار آزادی به همراه نشان هنرمند سال انتخاب ابعاد شده است.

کتاب

یادداشتی بر دومین کتاب بابک بیات که به تازگی منتشر شده است

میدان توپخانه؛ زیر خال سیاه

سینا مهراندیش

ادبیات داستانی فارسی زبان در دوره‌ای به سر می‌برد که گویا داستان گویی صرف به هر شکل و شیوه‌ای طرفدار بیشتری دارد. برخی از این اقبال عمومی ماهی خود را صید می‌کنند و به هر قصه سردستی، کلیشه و تکراری‌ای با چاشنی زنان، آب می‌بندند و با رنگ و لعاب زنان‌آوری و اطوارهای اینچنینی صفحه‌های قابلی به داستان یک خطی و طرح داستان‌شان می‌اندازند و در اصطلاح کار را بی‌دلیلی موجه به اطناب می‌اندازند. اگر غربیه تهران نابلدی سر تقاطع خیابان فردوسی و میدان توپخانه ایستاده باشد منتظر تاکسی و داد زده باشد توپخانه! مسافرکش رندی رسیده باشد و او را یک دور، دور میدان چرخانده باشد و کرایه را گرفته و او را همان جای اول و حتی پرت‌تر پیاده کرده باشد. خبا طرف آغای هالو هم که باشد، دادش به بدبیراه درمی‌آید؛ اما در همین زم